بار [əːbəːrdn] n. بار

یک بار مسئولیت جدی یا دشواری است.

→ کودکانی که رفتار نمی کنند ، برای والدین خود سنگین است.

به خطر افتادن

سازش [isekɒmprəmaiz] v سازش

سازش یعنی موافقت با چیزی که دقیقاً همان چیزی نیست که شما می خواهید.

both هر دو درمورد بازی که تصمیم گرفتیم انجام دهیم مصالحه کردیم.

مهارت

craft [kræft] v

ساخت کار دستی ساختن آن با استفاده از مهارت است.

→ او کتابخانه را از چوب جامد کاج ساخت و سپس آن را نقاشی کرد.

خم کردن

کلاهبرداری [kruk] n خم کردن

کلاهبردار کسی است که صادق نیست یا مرتکب جرم می شود.

→ این مدیر به دلیل کلاهبرداری توسط پلیس دستگیر شد.

واحد پول

واحد پول [əkə: rənsi] n واحد پول

ارز نوعی پول است که در یک مکان خاص استفاده می شود.

→ الیزابت مجبور بود دلارهای خود را با ارز مبادله کند.

معما

enigma [iˈnigmə] n. معما

معما کسی یا چیزی است که اسرارآمیز است و یا درک آن سخت است.

→ سرقت نقاشی ها برای محققان یک معما است.

شکننده

شکننده [æfrædʒəl] adj. شکننده

وقتی افراد یا اشیا frag شکننده باشند ، قوی نیستند و به راحتی آسیب می بینند.

glass ظروف شیشه ای شکننده با دقت در جعبه ها بسته بندی می شدند.

ترکیبی

hybrid [ibhaibrid] n. ترکیبی

ترکیبی ترکیبی از چیزها یا سبک های مختلف است.

→ در افسانه های یونان ، قنطورس ترکیبی از یک مرد و یک اسب است.

بی گناهی

innocence [ˈinəsns] n. بی گناهی

بی گناهی عدم تجربه چیزهای دشوار یا پیچیده در زندگی است.

→ هرکسی که با او ملاقات می کرد معصومیت او را جذاب می دانست.

ادغام

ادغام [məːrdʒ] v

ادغام دو چیز به معنای ترکیب آنها در یک چیز کامل است.

storm ابرهای طوفان در یک ابر بزرگ تهدید آمیخته که آسمان را پر کرده است.

در حد متوسط

تعدیل [ɒmɒdəreit] adj. در حد متوسط

وقتی چیزی متوسط ​​باشد ، از نظر اندازه یا مقدار خیلی بزرگ یا خیلی کوچک نیست.

to حوصله متوسطی دارد که در طول روز در اطراف کودکان کوچک باشید.

غرق شدن

overwhelm [ˌouvərhˈwelm] v

غرق شدن یعنی وجود آنقدر زیاد که کسی نمی تواند با آن کنار بیاید.

ework میزان تکالیفی که معلم او تعیین کرده است ، او را غرق کرده است.

ادراک

درک [pərˈsepʃən] n ادراک

درک یک موقعیت ، نوعی تفکر در مورد آن یا درک آن است.

→ از آنجا که او نمی توانست ببیند ، درک او از زندگی بسیار متفاوت از برداشت من بود.

تجدید دیدار

reunion [riːˈjuːnjən] n. تجدید دیدار

دیدار مجدد دیدار افراد یا چیزهایی است که از هم جدا شده اند.

→ هر تابستان ما یک دیدار خانوادگی در دریاچه داریم.

دکل

ریگ [rig] v

تقلب در چیزی به معنای مرتب نکردن صادقانه آن است.

polit سیاستمدار بد انتخابات تقلب کرد تا پیروز شود.

لرزیدن

shiver [ˈʃivə: r] n لرزیدن

لرز حرکتی تکان دهنده است که بدن هنگام سرد یا ترس شخص ایجاد می کند.

→ در راه بازگشت به خانه لرز خوردم زیرا هوا بسیار سرد بود.

دوستانه

اجتماعی [ˈsouʃəbəl] adj دوستانه

وقتی کسی اجتماعی است ، دوستانه رفتار می کند.

→ بسیاری از دوستان خوب من اجتماعی هستند ، اما من خجالتی هستم.

پرحرف

talkative [ˈtɔːkətiv] اضافه کردن پرحرف

وقتی کسی پرحرف است ، زیاد حرف می زند.

a عمه من هر وقت تلفنی است بسیار پرحرف است.

یدک کشیدن

tow [tou] v. بکسل

یدک کشیدن چیزی است که آن را بکشید.

→ کامیون در حال یدک کشیدن تریلی پشت سر خود بود.

با صدا راه رفتن

ترامپ [træmp] v

زیر پا گذاشتن این است که هنگام راه رفتن پاهای خود را به روشی بلند و سنگین پایین بگذارید.

→ کودک هنگام یادگیری راه رفتن ، کف زمین را لگدمال کرد.

The Demon’s Bridge

گاو زن جوانی صبح که سطح آب متوسط ​​بود از رودخانه عبور کرده بود. اما هنگامی که زن با سگ خود برگشت تا گاو را بدست آورد ، از بالا آمدن آب غرق شد. حتی اگر او عبور می کرد ، او هنوز نمی توانست گاو خود را از طریق رودخانه عقب بکشد.

"چه هستم من رفتن به انجام؟" او شگفت زده شد.

ناگهان مردی در آن طرف رودخانه ظاهر شد. وی گفت: "یک خانم جوان شکننده مانند شما مجبور نیستید از کنار رودخانه مبارزه کنید." "من برای شما یک پل می سازم."

مرد یک معما بود. برداشت زن جوان از او این بود که او فردی خوش مشرب است. او پرحرف بود ، با این حال چیزی در مورد او عجیب بود.

زن پاسخ داد: "من نمی خواهم بار شما باشم ، آقا".

وقتی شروع به ساختن پل کرد ، به او گفت: "نگران نباش". او قطعات پل را با سرعت شگفت انگیزی در هم ادغام کرد. به زودی ، آن را به پایان رسید.

اوه ، اما چگونه می توانم هزینه کار شما را بپردازم؟ بیایید سازش کنیم من اطمینان دارم که می توانیم یک راه حل عادلانه پیدا کنیم. شما چی فکر میکنید؟" زن پرسید.

مرد پاسخ داد: "تنها ارز مورد نیاز من اولین موجود زنده است که از روی پل عبور می کند."

او فکر کرد ، "این معامله عجیب به نظر می رسد. شاید او در واقع یک دیو رودخانه باشد. " او لرزید زیرا فهمید که او از بی گناهی او سو taken استفاده کرده و به نوعی معامله را جعل کرده است. اما او برنامه ای از خودش داشت. او یک تکه نان از جیبش بیرون کشید و آن را از روی پل انداخت. سگش دنبالش دوید.

وی به مرد گفت: "سگ اولین موجود زنده آن طرف پل است."

مرد عصبانی بود. او ناگهان به ترکیبی از یک انسان و یک ماهی تبدیل شد. "شما کلاهبردار!" او فریاد زد. "شما مرا فریب دادید. من هیچ سودی برای سگ شما ندارم! " جیغ کشید و به رودخانه کبوتر کرد.

زن آن طرف پل را به آن طرف پایمال کرد و با سگ و گاو خود دیدار مجدد خوشی داشت.